

علامه مجلسی (ره) در بحار الانوار، متن رساله‌ای در مناسک حج را نقل کرده است که آن را در نسخه‌ای خطی از فقه رضوی یافته و با توجه به اینکه این رساله در نسخه‌های دیگر فقه رضوی وجود نداشته، متن کامل آن را در باب مستقلی به عنوان «سیاق مناسک الحج»، در ضمن کتاب الحج والعمرة (بحار الانوار، چاپ مؤسسه الوفاء بیروت، ج ۹۶، ص ۳۳۳-۳۴۸) درج کرده است تا از سایر روایات وارده در مناسک حج که در سایر ابواب توزیع کرده، متمایز شده باشد.

علامه مجلسی درباره این مناسک‌نامه و قدمت تقریبی و مؤلف احتمالی آن اظهار نظری نکرده است. اما برخی شواهد درون متنی آن نشان می‌دهد این رساله، متنی کهن با برخی ویژگی‌های خاص و متمایز از دیگر مناسک‌نامه‌های شیعی است و علامه مجلسی با در نظر داشتن این مسئله، باب مستقلی را به آن اختصاص داده است.

از ویژگی‌های این مناسک‌نامه آن است که احادیث و روایات در آن به صورت مرسل نقل شده‌اند. با وجود برخی روایاتی که از امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) نقل شده (ص ۳۳۴ و ۳۳۹)، اما برخی احادیث نبوی نیز به واسطه عایشه نقل شده (ص ۳۳۷ و ۳۴۶) و در پایان یکی از ادعیه نبوی، افزوده‌های دعایی ابن عمر و انس بن مالک روایت شده (ص ۳۳۹) و گاه حتی به فعل ابن عمر استناد گردیده است (ص ۳۴۱). ظاهراً چنین رویکردی در نمونه‌های مشابه روایات مناسک حج در اصول روایی شیعه (نظیر کامل الزیارات) به چشم نمی‌خورد و می‌تواند تعلق این متن را به یکی از حوزه‌های مختلط و حاشیه‌ای شیعه برساند.

همچنین از میان شواهد درون متنی رساله که می‌تواند در تعیین دوره تقریبی آن به ما کمک کند، تعبیر به کار رفته درباره برخی از اماکن متبرک مدینه است. چنانکه در متن رساله، پس از بیان اعمال «باب فاطمه» (از درهای مسجدالنبی) آمده است: «ثم آتت قبور السادة بالبقيع، ومسجد فاطمه، فصل ركعتين، وزر قبر حمزة وقبور الشهداء وقبر العروسين، ومسجد الفتح، ومسجد السقيا، ومسجد الفضيخ، ومسجد قبا، فإن فيها فضلاً كثيراً، ومسجد الخلو، وسقيفة بني ساعدة، وبیت علی بن ابی طالب، ودار جعفر بن محمد عند باب المسجد». (ص ۳۳۵)

ظاهراً «قبور السادة بالبقيع» در متن فوق، ناظر به قبور چهار امام معصوم (ع) در این قبرستان است و استفاده از تعبیر «سادة» به جای «ائمه» در این متن قابل تأمل است. اما نکته دیگر آن است که ظاهراً مقصود از مسجد فاطمه که بلافاصله پس از قبور ائمه (ع) آمده و به نماز خواندن در آن سفارش شده، همانجایی است که بعداً به «بیت‌الاحزان» شهرت یافته و در متون پیش از نیمه دوم سده ششم، از آن به نام «مسجد فاطمه» یاد شده است ۱ و می‌تواند بیانگر تعلق این متن به پیش از سده ششم باشد.

اما شاهد مهم دیگر، تعبیر «قبر العرو سین» است که مصحح محترم بحار الانوار، در پاورقی کتاب نوشته است: «لم نقف فی المصادر المختلفه التي بأیدینا علی ما یعینه». با این حال می‌دانیم که این تعبیر، در رساله جغرافیایی کهنی در وصف مکه و مدینه و بیت المقدس، که ظاهراً به قلم یک مؤلف اندلسی در حدود سال ۳۵۰ق یا چندی پس از آن نگاشته شده، برای قبر معاذ بن عمرو بن جموح و معاذ بن عفراء در أحد ۲ به کار رفته است («وصف مکه والمدینه و بیت المقدس»، تحقیق: حمد الجاسر، مجله العرب، سال ۳، شماره ۵-۶، ذوالقعدة و ذوالحجه ۱۳۹۳ق، ص ۳۵۳).

باید توجه داشت که چنین اسامی و تعبیرهای خاصی از یک مکان، گاه تنها در ادبیات یک دوره زمانی یا یک حوزه جغرافیایی مشخص به کار می‌رفته و در سایر دوره‌های زمانی یا حوزه‌های جغرافیایی، رواج نداشته است. ۳ در صورت پذیرش انطباق این مسئله بر قبر عرو سین در احد، شاید بتوان نتیجه گرفت که مناسک‌نامه حج مورد نظر، متعلق به سده چهارم (یا نهایتاً پنجم) هجری، و شاید نوشته مؤلفی امامی از یکی از حوزه‌های شیعی مصر و شمال آفریقا و یا حتی شام باشد.

۱. از جمله: احیاء علوم الدین غزالی، ج ۱، ص ۳۰۷؛ لطائف الاذکار ابن مازه، ص ۲۰۸. نگارنده این سطور در کتاب در دست انتشار خود بهشت بقیع، به تفصیل بیشتری درباره مسجد فاطمه و انطباق آن بر بیت‌الاحزان سخن گفته است.

۲. معاذ بن عمرو بن جموح و معاذ بن عفراء از شهدای أحد نبوده‌اند و ارتباطشان با یکدیگر به علت مشارکت آنها در کشتن ابوجهل در غزوه بدر بوده است. وجه تسمیه‌شان به عرو سین نیز مشخص نیست. به گمان نگارنده این سطور، ممکن است مقصود از عرو سین، سهل بن قیس و حنظله غسیل الملائکه باشد که به گفته ابن مازه بخاری (ص ۲۱۲)، در زمان جنگ أحد تازه داماد بوده‌اند. همچنین ممکن است مقصود از عرو سین، عمرو بن جموح (پدر معاذ بن عمرو) و عبدالله بن عمرو بن حرام باشد که در یک قبر به خاک سپرده شدند و زمانی که بعداً قبرشان را که در مسیر سیل قرار داشت، شکافتند تا جسدشان را به جای دیگری منتقل کنند، با پیکر صحیح و سالم این دو مواجه شدند (ابن شبه، ج ۱، ص ۱۲۸).

۳. به عنوان نمونه‌ای از این اسامی خاص، می‌توان به گنبد یا مسجدی که در گذشته بالای جبل الرحمه (کوه رحمت) در عرفات وجود داشته، اشاره کرد که از میان منابع تاریخی، تنها در سفرنامه ابن جبیر و کتاب الاستبصار فی عجائب الامصار، که هر دو متن از سده ششم هجری و متعلق به حوزه مغرب اسلامی بوده‌اند، به نام «أم سلمه» همسر رسول خدا (ص) نامیده شده است و می‌تواند بیانگر این باشد که این بنا، شاید در این دوره زمانی و تنها میان حج‌گزاران مغربی و اندلسی، به این نام شهرت داشته است. (برای آگاهی بیشتر درباره این بنا بنگرید: خامه‌یار، احمد، «عرفات و بناهای آن در گذر تاریخ»، میقات حج، ش ۱۰۴، تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۲۵-۱۲۴).

سایت پژوهشکده حج و زیارت <http://hzrc.ac.ir/post/22157> سه شنبه ۲۲ مرداد ۱۳۹۸ ساعت ۱

